

و حکما و محققان متکلمین غیر مرتب میشود بر مجرد ذات حق آنچه
مرتب میشود بر ذات محکم با صفت مثلا ذات تو کما فی ذلک
انکشاف کما فیما بر تو و با صفت علم که مبدء انکشاف است توقفا
نسبت انکشاف حاصل نشود بخلاف است ضد اگر او را انکشاف است
و با صفت سبب علم است بر ذات و صفات متخذه در حقیقت
و متغایرند در مفهوم و مریح این کلام نفع صفات است با حصول
و ثمرات آن از ذات مباحثه که کلام نفع العلم علی ما یفید
دلائل بر آن در کسر تو تم کند که بر تفسیرش توان گفت که صفات
چه مراد از عالم ذات است که بسیار با انکشاف و با بر صفات
می تواند بود که مراد حضرت از ذات نام از صفات هم که غیر
ذات میدارند و بستواند بود که مراد از صفات مابا و صفات
نیغری که هر کدامی بالذات است بر ذات خود حاضر از آنکه آن است
صفات هم که صیرن است یا چیزی دیگر که معلول است از صفات
الذات هم که صفات در حدیث قدر نظام کثرت نیز مختصا

فایده

فایده این امر است که صفات الحاقی لا عرف اظهار می کنند
در حق حکما و عاقلان و عاقلان بالذات است و این صفت او را
بروز و عرض ظهور جلوه کردن یا چنانچه در لاجرم ایجاد خلق
باید کرد تا این که مقتضای ذات هدایت نمودن پرده باشد
از بصر بصیرت بر باید و جمال خود را در مایه ظهور فرود آید
هر سینه به بنام **مشهور** مگر در کتاب سوره می نماند
بروزن سپر بر آرد اگر خویش را از چشم مردم خلک در
ظلمت مغرب کند کم بر آرد سر مشرق و مصطفی سار که بنام
سپر پندیده دیدار **مؤمن** **عینی** **مجا** **شسه** **مخلوق** **قالبه**
شتره در اصل مضر در نشان است و کما می بینی که در نشان
در صورت است و میشود و مجابیه خبر مانند بودن مخلوقات مع
مخلوق و مخلوق آفریده شده یعنی برای کسی که درست از نشان
مخلوقات خود لیس کشیده شی و بنام **سبح** **العلی** **و سبحان**
ملائکه کفایت و جلالت بزرگ شریف